

فری کوچولو دوید و دوید،
گوشه‌ی حیاط،
از بزی گذشت،
به زیز رسید.



بزی سم طلا،
دو تا ماشین داشت،
یکیشو داده بود،
زی زی شاخ طلا.
فری کوچولو بادبادک داشت،
ماشین می خواست.
بزی سم طلا بادبادک می خواست،
زی زی شاخ طلا بادبادک می خواست.



فری کوچولو دوید و دوید
گوشه‌ی حیاط،
از بزی گذشت،
به زی‌زی رسید.

بزی سم‌طلا با شاخ‌طلا
گوشه‌ی حیاط، یه توپ سیا

